



— تک جنسیتی! آری یانه؟
— ارادت جاهلانه
— جنگ عموزاده ها
— واجبی در سراسیمی فراموشی
— قصه ی انجمن ما

انجمن اسلامی



گاهنامه دانشجویی انجمن اسلامی

دانشجویان دانشگاه الزهراء (س)

شماره ۲۲ / سال یازدهم / مهر ۹۵

- ۳..... سخن سردبیر.....
- ۴..... تک جنسیتی! آری یا نه؟.....
- ۶..... روزنه ی دل.....
- ۷..... چشم های منتظر.....
- ۸..... دوربین عاشورایی.....
- ۹..... ارادت جاهلانه
- ۱۰..... جنگ عموزاده ها.....
- ۱۲..... واجبی در سراسیمگی فراموشی.....
- ۱۴..... تقام الفرائض.....
- ۱۵..... نامیرا.....
- ۱۶..... ما انجمنی ها
- ۱۶..... قصه ی انجمن ما.....
- ۱۸..... معرفی دوره های انجمن اسلامی
- ۱۹..... چه خبرانجمن

صاحب امتیاز:

انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه الزهراء (س)

مدیر مسئول:

زینب رستگارپناه

سردبیر:

فاطمه سادات میرهاشمی

هیات تحریریه:

زینب ارشادی، زینب اثنی عشری،
اعظم بهمن آبادی، زینب رستگارپناه
فاطمه علیزادنیاء، فرانک فیضی، هدی
مشهدی، زهرالرنژاد، زهرانیونی

عکاس:

زهرادوالفقاری، فاطمه پیران

طراح و صفحه آرا:

زینب رستگارپناه

باتشکراز سرکار خانم وزیر و جناب آقای
اصفهانسی که در نشر این شماره ما را همراهی
کردند.



اس دل!
تو چه فر کنی؟
فر فانی یا فیروز؟
داد از آن اختیار که تو را از حسین جدا کند!
اس دل!

نیک بنگر تا قلاده بر دنیا را بر گردنشان ببین و سر رشته قلاده را که در دست شیطان است.





از محرم الحرام سال شست و یک، هزار و سیصد و هفتاد و هفت سال است که هر سال، صدایی به گوش می رسد.. و قافله ای به قدمت تاریخ که در حرکت است.. و در دل خاندانی کریم دارد.. قافله ای که می آید و این دل ها را در هیاهوی آرامشی عجیب، سرگردان رها می کند..

آشوبی به عطر عشق.. و مایی که در این کارزار دو دل مانده ایم مسافران مسیر آفتابیم یا مقاطعان مسیر آب..

و فتنه ای که در آن، هر آبی جز آفتاب سرآب است و جز آزادگان از آن جان سالم به در نمی برند..

و در این میان، مصباح هدی و کشتی نجاتی که هر سال، حرکت می کند و هل من ناصر سر می دهد.. و نه برای خودش، که اوست آن که دل های ما را نصرت می دهد به سوی طریق حق.. مسیری که راهی طولانی را طی کرد از کوچه های مدینه تا غربت تنهایی آخرین بازمانده.. السلام علی القتیل المظوم..

السلام علی الحسین بن علی بن ابی طالب.. الذی قتلوه عطشانا قریبا..

دریاب ما را حضرت دریاب.. فاطمه سادات میرهاشمی



تک جنسیتی! آری یا نه!!!

فرانک فیضی

آموزش تک جنسیتی (single_gender education) تا قبل از نیمه قرن بیستم به ویژه در سطح آموزش متوسطه و آموزش عالی رواج بسیار داشت که ریشه دینی و سنتی داشته. در قاره آسیا دانشگاه ها و کالج های متعددی در حوزه آموزش زنان به صورت اختصاصی فعالیت میکنند که میتوان به «دانشگاه کیسن» در ژاپن، «سوک مینوگ» بنگلادش و... اشاره داشت. همینطور به کالج های مطرح در استرالیا و از همه مهمتر به بزرگترین کالج های مخصوص دختران در انگلستان اشاره کرد.

با بیان این مطالب و نگاهی ریزبینانه تر به کشور عزیزمان می‌رسیم. در حال حاضر ۸ دانشگاه دخترانه و ۶ موسسه غیر انتفاعی در بخش غیر انتفاعی در بخش غیردولتی وجود دارد که در زمینه های مختلفی فعالیت میکنند، که میتوان به دانشگاه الزهرا- دانشگاه دخترانه حضرت معصومه و... و همینطور برخی دانشگاه ها صرفا پذیرش مرد را دستور کار خود قرار داده اند مثل دانشگاه مالک اشتر، دانشگاه صنعتی هویزه و... اشاره کرد.

باید متذکر شد اولین دانشگاه تک جنسیتی در ایران «دانشگاه الزهرا(س)» است که در سال

به همان میزان که اسلام با ارتباط سالم و هدفمند با هموعان و شهروندان اعم از مرد و زن، دختر و پسر، شهری و روستایی را مورد تاکید قرار داده، اختلاط و ارتباط ناسالم و آسیب زا و شکسته شدن حریم محرم و نامحرم و کشیدن تمتعات و التذاذ های بصری و جنسی و عاطفی و هیجانی داخل خانواده به بیرون از آن را مورد نهی و نکوهش قرار داده است. در اجمال به چند نمونه از آیات الهی در این خصوص بسنده میکنیم:

در سوره آل عمران (آیه ۲۰۰) تعادل و تعامل در جهت نیکوکاری و تقوا مورد تاکید واقع شده «تعاونوا علی البر و تقوا و لا تعاونوا علی الاثم والعدان».

و یا در سوره (توبه، آیه ۷۱) مردان و زنان مومن به تعامل و روابط هدفمند مبتنی بر توسعه ارزش های دینی و فی مابین دعوت شده اند.

با نظر به این آیات و مباحث تاملی بیشتر در جهت تک جنسیتی و تفکیک بعضی مراکز آموزش عالی در سطح کشور و جهان داریم.



۱۳۴۳ تاسیس شد. در آن هنگام با نود دانشجوی با نام «مدرسه عالی دختران» فعالیت خود را آغاز و پس از پیروزی انقلاب اسلامی، تحت نام مطهر الزهرا فعالیت خود را ادامه داد که تاریخچه درخشانی در فعالیت چندین ساله خود داشته است.

مسئله دانشگاه محیطی علمی و آکادمیک است که برای پاسخ به نیازهای علمی و کسب دانش و تخصص طراحی شده است، لذا این سوال که دانشگاه تک جنسیتی چه فوایدی برای زنان دارد، کمی تأمل برانگیز است. بدیهی است که فواید این نوع دانشگاه با دانشگاه مختلط در راستای هدف و تعریف دانشگاه که تحصیل علم است متقارن نیست مگر اینکه در پیش فرض چنین سوالی اصولاً دانشگاه تک جنسیتی را دانشگاه تلقی نکرده باشیم که مطلقاً چنین فرض‌هایی قطعاً صحیح نیست.

با جمع بندی این مباحث به این نتیجه می‌رسیم که حضور زن و مرد در کنار هم در جوامع مختلف منوط به حفظ چهارچوب‌های اخلاقی و دینی و اجتماعی هر کشوری از ملزومات و بدیهیات جوامع بشری خصوصاً تمدن عصر جدید به شمار می‌رود. اما در راستای این بدیهیات، فضاهایی در جهت کسب هرچه بیشتر فضاهای فکری و رسیدن به آرمان‌های شخصی نظیر موسسات آموزش عالی و

ابتدایی در اقصا نقاط این کره خاکی فراهم آمده تازن و مرد هر کدام به تناسب نیازهای فردی و گروهی به این تکاملات دست یابند. امروزه با توجه به حضور پررنگ زنان در عرصه‌های مختلف سیاسی، علمی، اجتماعی و... تفکیکی به لحاظ برتری منطق و احساس و علم نمی‌توان قایل شد و به هیچ وجه نباید متعصبانه به این قضیه نگاه کرد. اگر دانشگاه الزهرا مرکز آموزش عالی دختران است، به این معنی نیست که این مرکز یا مراکز مشابه به لحاظ تک جنسیتی بودن از لحاظ علمی پایین‌تر است. در حال حاضر چندین دانشگاه مختص پسران در کشور وجود دارد، آیا تا به حال شنیده ایم که مردان بگویند به خاطر عدم وجود ذهنیت و فکر زنان، دانشگاه به لحاظ علمی پایین‌تر است؟ نه. چون مردان خود باوری بیشتری نسبت به زنان دارند. ولی با تمام این تفاسیر ما باید متوجه باشیم که نباید فضای ذهنیتی را جنسیتی قرار داد. خواه ناخواه حضور زن و مرد در کنار هم، از بدو تولد بشریت تا به امروز در جوامع بشری لازم و ملزوم یکدیگرند و نباید بالاجبار بدیهیات را برهم زد.



روزنه سر دل

شاعر:
زینب اثنی عشری

ما اشک ها در غربت زینب فشاندیم
عمری برای دردهایش روضه خواندیم:
ما در پی یک جرعه عشق ناب بودیم
در حسرت دیدار با مهتاب بودیم

آیا شما دیدید دستان جدا را؟
در زیر سم اسبها خون خدا را؟
هر یک به تنهایی پی مهتاب میگشت
دنبال عکس ماه در مرداب میگشت

میدید زینب دست سقا را بریدند
با اسب ها بر روی پیکرها دویدند
گشتیم دنبالش ولیکن بی ثمر بود
از هر که پرسیدیم، از او بی خبر بود

آیا شما هل من معینش را شنیدید؟
یا تا کنون خورشید را بر نیزه دیدید؟
ناگاه جامی از ولایت مستمان کرد
ما را یکی کرد و به هم پابستمان کرد

زینب ندای غربت او را شنیده است
خورشید و مه را بر فراز نیزه دیده است
باری به دوش هر کدام از ما نهادند
بر چشمهامان وعده دیدار دادند

زینب که مانند پدر چاهی ندارد
جز صبر و تسلیم و رضا راهی ندارد
شوق شهادت قلبمان را زیر و رو کرد
در چشمه ای از عشق مولا شست و شو کرد

زینب که مثل فاطمه حیدر ندارد
زینب که هفتاد و دو تن یاور ندارد
هل من معینش آتشی در دل به پا کرد
ما را شهادت راهی کرب و بلا کرد

من مونسی جز این قلم امشب ندارم
دیگر توان گفتن از زینب ندارم
بر قلبمان «انا فتحنا» را نوشتند
درد علی و آه زهرا را نوشتند

مولا مقدر کن برامان مثل تمار
فریاد آزادی فراز چوبه ی دار
اما امان از زینب و از دردهایش
از ناله های هر شب و سوز صدایش



چشمهای منتظر...

گردآوری زینب ارشدی

دلَم تنگ است. این جا، جای عجیبی است. انگار همه می روند که برنگردند. خداحافظی ها، فرق دارد. حتی لحظه های این جا هم عجیب است. مثل قدیم ترها نیست که داداش اکبر، از پشت دیوار رقیه را صدا کند. با دو تادستش، دو طرف صورتش را بگیرد و پیشانی رقیه را به پیشانی اش بچسباند و موهایش جلوی چشمهای او را بگیرد. این جا جای بازی نیست. حتی بچه ها هم حال و حوصله ی قبل ترها را ندارند. «رقیه» این جا هم توی خواب حرف می زند. من رقیه را خیلی دوست دارم...

خوب یادم هست. دیشب حتی او هم خوابش نبرد. نیمه های شب بود که صدایم کرد:

«سکینه!...»

گفتم: بله!

چشمهای قشنگش را باز و بسته کرد و گفت:

«صدای پای کیه؟»

گوش دادم. راست می گفت. صدای پای می آمد. هول برم داشت. آرام از جایم بلند شدم و پرده خیمه را کنار زدم. آهسته به دور و بر خیمه نگاه کردم. کسی نبود. صدای پا قطع شد. خواستم برگردم. صدایی آشنا شنیدم: «نخوابیدی عمو جان؟»

سرم را که برگرداندم، عمو، ایستاده بود. چهره اش خسته بود. نزدیک آمد و موهایم را نوازش کرد. روی زانو نشست با دستهایش، شانه هایم

را گرفت و خیره شد به چشمهای من. بغض کردم و سرم را به پایین انداختم. حرفی را که مدتها توی دلم نگه داشته بودم، گلویم را می فشرد. سرم را که بالا آوردم، لبخند «عمو عباس» دلم را روشن کرد:

«چی شده عمو جان؟... خواب بد دیدی؟»

نتوانستم بگویم. نفهمیدم از کجا فهمیده بود. سرم را تکان دادم و قطره ی اشکی آرام آرام از گوشه ی چشمم سر خورد. عمو نشست روی ماسه های صحرا. مرا روبرویش نشاند و صورتم را بوسید. لبهایش گرم بودند. گرم بودند و خشک. صورتم سوخت، و بیشتر دلم. گفتم: «عمو! اگر کسی...»

و حرفم را قطع کردم. بغض پنجه انداخته بود بیخ گلویم. دلم نمی خواست گریه ام را ببیند. خستگی به تنش می ماند. دستهای عمو که سرم را برگرداندند، صورتم خیس اشک بود. گفتم: «چه خوابی دیدی عمو جان؟»

گفتم: «یک... یک... یک کبوتر کوچک... نشسته بود روی شانه ی شما... بالهایش خونی بود... انگار کسی بالش را شکسته بود...» این را که گفتم سکوت کردم... یعنی نتوانستم بقیه اش را بگویم. اشک توی چشمهای عمو حلقه زده بود. نگاهش را از صورتم گرفت و خیره شد به آن دورها. جایی - شاید - در انتهای صحرا... و دیگر حرفی نزدیم. آنوقت بود که آرزو کردم ای کاش کمی از سیزده سالگی کوچکتر بودم تا می توانستم خیلی بچه گانه حرفهایم را بگویم و دلم را خالی کنم.

... می ترسم... از رفتن عمو. از اینکه برنگردد. مشکش را که برمی دارد و بندش را روی شانه اش می بندد، غصه ام می گیرد. می دانم که به خاطر ما می رود.

می گویم: «عمو! حتما برگردی ها... حتی اگر... اگر آب هم نیاوردی، برگرد...»

می گوید: «حتما... به خاطر شیرین زبانی تو هم که شده برمی گردم عمو جان!»

...

بابا حرفی نمی زند. پیاده است. اسبش، آهسته، دنبالش می آید. انگار کمی خون روی بالش نشسته است. بابا، یک راست به طرف خیمه عمو می رود. به عمه نگاه می کنم. انگار زبانش نمی چرخد. مات نگاه می کند. آب دهنم رابه سختی قورت می دهم. دست بابا، ستون خیمه ی عمو را می کشد.

بند دلم پاره می شود. خیمه ی عمو می خوابد. آرام و خاموش. زانوهای بابا، شکسته می شوند. روی ماسه های صحرا می نشیند. باورم نمی شود. جلو می روم و می گویم:

«بابا!... عمو عباس کو؟»

بابا حرفی نمی زند. آرام به طرف اسب می رود و چیزی را از زین اسب، جدا می کند. مشک بچه هاست. اشک، توی چشمهایم جمع می شود... دستهای بابا، تیر بلندی را که به مشک فرورفته، بیرون می کشد. قطره ای از آب مشک، از نوک تیر، روی خاکهای گرم می چکد... و انگار تصویر عمو، در قطره های آب تکثیر می شود.



حیث بر فیلم سینمایی رستاخیز نشانه رفتند که مسعود ثابتی یکی از منتقدین این فیلم میگوید: «ما بزرگان و اسطوره هایی داریم که مردم در طول قرن ها تصویری ذهنی از آنها در قلب خود پرورده اند و اگر قرار است در فیلمی تجسم عینی آنها را ببینند باید تصویری بهتر از نقاشی های قهوه خانه ای ارایه شود. شمایل شخصیت های بزرگ و مذهبی در فیلم چنان معمولی تصویر شده است که بیشتر از آنها اسطوره زدایی میکند.»

از این ها که بگذریم، به نقد هایی در بطن فیلم میرسیم، به گفته حجت الاسلام علی ثمری، صاحب کتاب «شرح شمع» که روزنگار و تاریخ تحلیلی عاشورا با نگاهی بر ۱۵۰ مکتب متقدم و متاخر است، این فیلم ۱۴ اشکال تاریخی دارد که از آن جمله می توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱- انگیزه قیام ابا عبدالله مغفول واقع شده است. برای مثال اتفاقات عبرت آموز مدینه، سخنان امام کنار قبر پیامبر (ص) با عوام و خواص و وصیت امام و...

۲- نقش خواصی که به طمع حکومت اطراف امام جمع شده اند دیده نمی شود.

۳- حادثه تنبه حضرت حر کاملاً تحریف شده و به شکلی مبهم و گنگ مطرح شده است.

۴- نقش بی بدیل زنان و به خصوص اهل بیت امحا شده است.

اما آیا نشان دادن تصویر ائمه برای جذب مخاطب و یا به هردلیلی آنقدر مهم است که باعث شده است، تا به این حد از روایت صحیح تاریخ غافل شوند؟

واقعۀ ی عاشورا به خودی خود جذابیت لازم را در نظر عموم دارد و کاری بیهوده است که برای جذب مخاطب و یا ارتباط بهتر برقرار کردن مخاطب با فیلم، دست به کاری بزنیم که اصلاً توانایی آن را نداریم.

اما این فیلم تنها، به مساله عاشورا نپرداخته است؛ به راحتی میتوان از کلمات به کار برده شده در متن فیلمنامه، کلماتی چون «زر، زور و تزویر، شریعتی یا واژه آشنای سال ۸۸، «فتنه» فهمید که فیلم نتوانسته نسبت به وقایع زمان خود بی تفاوت باشد و رنگ و بوی سیاست به خود گرفته است.

این فیلم در نهایت در سال ۹۲، با حذف یک ساعت از فیلم، همزمان با سی و دومین جشنواره فیلم فجر اکران شد و در این جشنواره هفت سیمرغ بلورین گرفت که این نیز خود جای سوال دارد.

در طی ۳ دهه ی اخیر تنها ۳ فیلم سینمایی با مضمون حماسه عاشورا بر روی پرده ی سینمای ایران اکران شده است. اولین فیلم سینمایی با محوریت عاشورادر سال ۶۱ به کارگردانی فریبرز صالح با نام سفیر به نمایش در آمد. این فیلم و هم چنین فیلم روز واقعه که با فاصله زمانی ۱۲ ساله، در سال ۷۳ به کارگردانی شهرام اسدی اکران شد، بیشتر به حواشی قبل و بعد از واقعه عاشورا پرداخته اند. اما پس از ۱۷ سال فیلمی متفاوت در سال ۸۹ تولید شد، که از آن می توان به عنوان پر حاشیه ترین فیلم در بین این ۳ فیلم یاد کرد. فیلم رستاخیز که توسط احمد رضا درویش کارگردانی شده است، وجه تمایزی فاحشی با ۲ فیلم دیگر دارد. رستاخیز مستقیماً به مساله عاشورا پرداخته و مقطع زمانی مرگ معاویه تا قیام امام حسین (ع) را روایت میکند. در این فیلم برای اولین بار در سینمای ایران چهره ی معصومین به تصویر کشیده شد. با توجه به اینکه رستاخیز پس از سریال مختارنامه تولید شده است چرا باید اشتباه سریال مختارنامه را تکرار کند و اصرار به نشان دادن چهره ی معصومین داشته باشد؟ این سوالی است که ناخود آگاه ذهن مخاطب را درگیر میکند.

احمد رضا درویش در پاسخ به اینگونه حواشی میگوید: نظر مراجع در مورد به تصویر کشیدن چهره ی معصومین مثبت بوده و مشکلی نداشته اند و البته بنده به نظر مرجع خود در این باب عمل کرده ام. این در حالی است که بلافاصله بعد از اکران اولیه فیلم، فیلم با انتقاد شدید مراجع اعظام تقلید رو به رو میشود. تا جایی که حجت الاسلام مظاهری اصفهانی این کار را حرام اعلام میکند. البته مراجع با تشبیه مشکلی ندارند. درویش در ادامه توجیهات خود، مساله نشان دادن شخصیت ها و تصاویر در تعزیه را مطرح میکند، ولی نمیتوان از کارگردانی با این تجربه و کارنامه کاری انتظار داشت که تفاوت شبیه سازی را در تعزیه ی ساده و تجسم عینی در فیلم را درک نکند.

از طرفی منتقدین سینما هم تیر نقد خود را از این

باز این پیش از خلق عالم

عبدالمبین

باز این چو پوچ و چو پوچم

عبدالمبین

باز این رخسارم برین

آه تقییل قیام عاشورا به جنگی قبیله ای و کینه چویی خانوادگی و پر سر قدرته شیبه چیدی نیست، شمر و عبیدالله و یزید خودشان اولین پار چنین ادعای موهومی را در دهان عوام انداختند و سی هزار کوفی را با همین شیوات به جنگ با سیدالشهدا(ع) خواندند.

آه عصیبت قومی و کینه های قبیله ای بخشی از انگیزه ای است که یزید برای مبارزه با سیدالشهدا(ع) داشت نه اینکه حضرت اباعبیدالله(ع) که برای احیای اسلام ناب قیام کرده بودند مستحق چنین تعبیر بی پایه ای باشند. چنانکه وقتی سر مبارک امام حسین(ع) را به مجلس یزید آوردند چنین خوانده «ما بزرگان آنان را کشیم و در برابر کشته هایمان در جنگ پدر، مقابله به مثل کردیم و توازن و عدالت برقرار شد. از نسل خاندان نباشیم اگر از فرزندان احمد آنچه را انجام داده انتقام بگیریم.» (سید بن طاووس، لهوف، ص ۲۴۵)

چالپ آنکه تعصب بر ریشه های قومی و تحریک نژادی، وجه مشترک نویسنده گان متون شیبه انگیز با پیروان یزید و احزاب زمان جاهلیت است. حال آنکه از اصول اساسی اسلام، برابری اقوام و نژادها و تأکید بر گوهر انسانی و تقواست. قیام امام حسین(ع) نه نژادی قبیله ای، که دعوت به آزادی و ظلم ناپذیری تا پای جان است. و این است که قیام کربلا را جهانی و جاودانی و فراقومی می کند چیزی که متعصبان روشنفکر نمای جاهلی قدرت در آن را ندارند. **احلال قیام امام حسین(ع) به اختصار چهارتنه از:**

الف بیعت خوانی یزید که فردی فاسد و هرزه بود از امام معصوم و عزم قتل ایشان در صورت عدم بیعت.

ب دعوت مردم کوفه از امام حسین(ع) و تمام شدن حجت بر ایشان.

ج، امر بمعروف و نهی از منکر و مبارزه با ظلم و فساد طاغوتی که بر جامعه مسلمین حکومت میکرد.

دقیقا به همین دلیل است که هیچ یک از فاکتورهای لازم برای رقابت بر سر کسب کرسی های دنیایی از قبیل « لشکر و نیرو و مسامحه و معامله و در نهضت حسینی به چشم نمی خورد. روشن است اگر هدف امام حسین(ع) جنگ با یزید بر سر قدرت بود به جای زن و فرزندانش، باید لشکری چند هزار نفری از مردان جنگی ترجیح داده بود و نه کودک شش ماهه اش. و اگر دنیاپرست بود (معاذالله) در برابر لشکر بی شمار و پیشنهاهای دنیایی یزیدیان، شمشیر را ول می نهاد. نه اینکه با ۷۲ نفر در برابر آنها پایسند و مرگ را بر زندگی ذلیلانه ترجیح دهد!

۵. **احمد کسروی** فرمانسروئی دین ستیز بود که حتی ادعای پیامبری هم کرد. او اهل مباحثه منطقی و مودبانه نبود و مکررا به سایرین و حتی ائمه اظهار(ع) اهانت می نمود. او حتی دیده گاهی منشی به ایران و ایرانی داشت و به دنبال تغییر انشای فارسی به لاتین بود. همین ها از احوال وی کافیست تا به باطل بودن عبارات پایانی شیبه که منعکس به اوست پی ببریم. شور و خفت روشنفکران پهلوی که الگو و اسطوره شان، کسروی است! **حماقت تا کجا!**



ناآگاهی و ضعف دانش

اولین و موثرترین عامل برای این پدیده فقدان بینش و آگاهی اقشار مختلف جامعه است. امر به معروف یک حکم اجتماعی است و طبیعی است که اقدام به آن به آگاهی و مهارت احتیاج دارد. بی‌گدار به آب زدن می‌تواند در این زمینه آثار سو یا حتی برعکس برای خود فرد آمر و یا کل جامعه به دنبال داشته باشد.

به همین دلیل برخی به دنبال عمل به امر به معروف نمی‌روند و برخی نیز نسبت به چگونگی و روش امر به معروف و نهی از منکر آگاهی لازم را ندارند زیرا که نمیدانند برخورد اولیه‌ی آنها با مخاطبانشان چگونه باید باشد که منجر به تنش نگردد و یا اینکه از چه ادبیات و جملاتی استفاده کنند آمر و ناهی باید معروف و منکر بشناسد و احتمال بدهد امر و نهی او تاثیر دارد پس اگر احتمال عقلانی ندهد، واجب بودن آن ساقط میشود و اگر کسی که واجب را ترک کرده و حرام را انجام میدهد اصراری بر کار خود نداشته باشد لزومی به امر و نهی نیست.

ترس، القای همیشگی شیطان

براساس آموزه‌های اسلام یکی از ترفند‌های شیطان در مسیر انجام فرایض الهی همواره ایجاد ترس از سو عاقبت است.

گاهی افراد به دلایل علاقه مندی به دیگران چنین تصور می‌کنند که امر به معروف آنها موجب از رده خاطر شدن دوستشان می‌شود این یکی از همان ترس‌هاست که توسط

واجبی در سرایشی فراموشی

زهرالرزاد

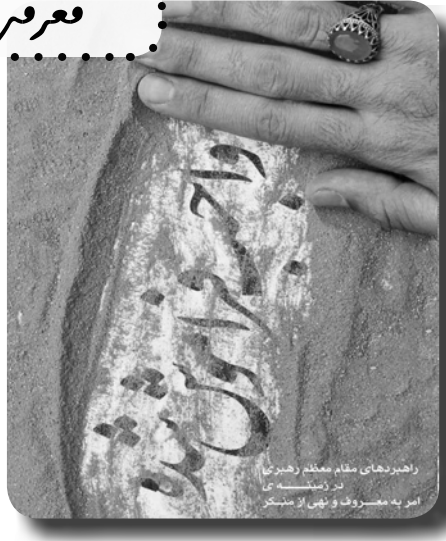
امر به معروف و نهی از منکر از احکام عملی مسلمانان و به اعتقاد شیعیان از فروع دین اسلام است. امر به معروف یعنی دستور دادن یا توصیه کردن از سوی فرد مسلمان به دیگران برای انجام آنچه از نظر عقل یا شرع اسلام خوب در نظر گرفته می‌شود و نهی از منکر یعنی دستور دادن به ترک آنچه که بد دانسته میشود. در احکام دین به تمام واجبات و مستحبات معروف و به تمام محرّمات و مکروهات منکر گفته میشود. امر به معروف و نهی از منکر واجب کفایی است یعنی اگر فردی به قدر کفایت به انجام آن اقدام کند از دیگران ساقط میشود ولی اگر همه‌ی افراد آنرا ترک کرده باشند چنانچه شرایط آن موجود باشد همه‌ی آنها ترک واجب کرده‌اند.

مساله‌ی امر و نهی ریشه در درون انسانها دارد و مربوط به نژاد و منطقه و یا دین و آیین خاصی نمی‌باشد. بلکه هر کس اگر فطرت سالمی داشته باشد اعمال زشت را نمی‌پذیرد و نسبت به کارهای خوب روی خوش نشان می‌دهد. امروزه شرایط جامعه به گونه‌ایست که مجموعه‌ای از رفتارها و خرده فرهنگ‌ها دست به دست یکدیگر داده و مانع از عملی شدن این فریضه‌ی الهی توسط تمامی اقشار جامعه شده است.

چه عواملی امر به معروف را به محاق می‌برند در بررسی عوامل ترک امر به معروف می‌توان به مواردی چند گانه اشاره کرد که در پی می‌آید:



معرفی کتاب



کتاب واجب فراموش شده مجموعه کاملی از راهبردهای مقام معظم رهبری در زمینه امر به معروف و نهی از منکر است که در ۹ فصل گرد آوری شده است. در این مجموعه به طور تفصیلی و کامل در خصوص آن چه که پیرامون امر به معروف و نهی از منکر نیاز بوده صحبت شده است.

گزیده ای از متن کتاب:

بزرگترین حربه در مقابل گناهکار، گفتن و تکرار کردن است. اینکه یک نفر بگوید اما ده نفر ساکت بنشینند و تماشا کنند، نمی شود. اگر یکی دچار ضعف نفس بشود، یکی خجالت بکشد و یکی بترسد، اینکه نهی از منکر نخواهد شد.

چرا کسانی از گفتن ابا می کنند؟ یک عده بر اثر ضعف نفس از گفتن ابا می کنند، یک عده هم خیال می کنند که گفتن فایده ای ندارد؛ باید با دست جلو بروند! نه، زبان از دست خیلی مهم تر است.

چرا این واجب امر به معروف، امر به کارهای خوب در جامعه ی اسلامی هنوز اقامه نشده است؟ نگویید به من چه؛ او هم نمی تواند بگوید به تو چه؛ اگر هم گفت، شما اعتنا نکنید.

اما همه نمی کنند. همه تجربه نمی کنند، می گویند آقا چرا اثر نمی کند؛ تجربه کنید. منکری را که دیدید، با زبان تذکر دهید.

در بخشی از این مجموعه می خوانیم: «موضوع امر به معروف که موضوع جدیدی نیست. این، تکلیف همیشگی مسلمانان است. جامعه اسلامی، با انجام این تکلیف زنده می ماند.»

در فصل دوم این کتاب آمده است: «امر به معروف، یک مرحله ی گفتن و یک مرحله ی عمل دارد. مرحله ی عمل، یعنی اقدام با دست و با زور. این مرحله، امروز به عهده ی حکومت است و باید با اجازه ی حکومت انجام بگیرد و لا غیر. اما گفتن با زبان، بر همه واجب است و همه باید آن را بدون ملاحظه انجام بدهند.»

شیطان القا می شود. این در حالی است که بر اساس تعالیم اسلام بهترین هدیه برای کسانی که دوستشان داریم معرفی عیوب آنها می باشد. همان گونه که امام صادق می فرمایند نزد من ان برادر از همه محبوب تر است که عیب هایم را به من گوشزد کند.

ترس از مورد تمسخر قرار گرفتن و بی آبرو شدن، ترس از واکنش تند و شدید افراد غیر همفکر و ... اینها مواردی است که فرد را از اقدام به امر به معروف باز می دارد.

همه این مسایل دست به دست هم داده که امروزه در کشور امر به معروف یا رها گردد و یا به امور نازل و کم اهمیتی همچون حجاب زنان تقلیل داده شود.

حال آنکه در روایات ما امر به معروف در عرصه سیاسی و اقتصادی از اهمیت بالاتری برخوردار است تا جایی که گفتن کلمه ای سخن حق در نزد یک حاکم ظالم را افضل الجهاد لقب داده اند!

نقش ضعیف و کم رنگ حاکمیت در عرصه ترویج امر به معروف

فرهنگ پذیرش امر و نهی نیاز به برنامه ریزی و هماهنگی تمامی مجموعه ها و نهاد های حکومتی دارد که به جرات میتوان ادعا کرد تاکنون کمترین هماهنگی و برنامه ریزی در این زمینه صورت نگرفته است.

امروز در کشور برای اجرای امر به معروف و نهی از منکر بستر قانونی دقیقی وجود ندارد و این یکی از ایرادات اصلی در عمومیت یافتن مساله امر به معروف است.

هم اکنون قانون امر به معروف و نهی از منکر در مجلس تصویب شده است. وقتی هم قانونی از سوی شورای نگهبان تایید و تصویب می شود پس مشکل شرعی و قانونی ندارد و لازم الاجراست اما از آنجا که در مورد قانون مذکور بین دو قوه مجریه و مقننه اختلاف وجود دارد مقام معظم رهبری موضوع را به هیات حل اختلاف قوا ارجاع دادند. خود این مساله نشان از معین نبودن تکلیف مساله امر به معروف در عرصه حاکمیت است و بغرض بودن مساله را دوچندان می کند.

در پایان می توان گفت که علت کم توجهی به این فریضه مهم اسلامی از یک سو ریشه در موانع روحی همچون ترس دارد و از سویی دیگر برخی موانع فرهنگی که به آسانی هم قابل رفع نیست و در دسته سوم برخی موانع اجتماعی همچون ترک همکاری حکومت و مردم در این زمینه نقش بسزایی دارد.



تقام الفرائض...

آشنایی با مجمع رهروان امر به معروف و نهی از منکر
زینب رستگاریناه

طبق اصل ۸ قانون اساسی امر به معروف و نهی از منکر وظیفه ایی همگانی است و برعهده ی همه است، این اصل امر به معروف را در سه سطح مردم به دولت، مردم به مردم و دولت به مردم تعریف می کند. آنچه رهبر معظم انقلاب به دفعات در سخنان خود به آن اشاره کرده اند و از آن جمله در ابتدای سال ۱۳۹۴ در حرم مطهر رضوی فرمودند: «همه ی مومنان در هر نقطه ای از عالم که هستند، موظفند جامعه را به سمت نیکی به سمت معروف، به سمت همه ی کارهای نیکو حرکت دهند و آنان را از بدی ها، از پستی ها و پلشتی ها دور بدارند.»

جالب آن است که در جامعه ی فعلی ما اقامه ی این فریضه که از فروع دین است به اشتباه تنها از اختیارات دولت به حساب میاید و افراد لازمه ی اجرای این فریضه را فرمانی حکومتی می دانند در حالیکه این فریضه ی فراموش شده از فروع دینی تمام مسلمین در تمام نقاط جهان از وظایف فرعی هر مسلمان است.

در همین راستا در سال های اخیر گروه هایی مردم نهاد اقدام به اقامه ی این واجب کرده اند که از آن جمله میتوان به مجمع رهروان امر به معروف و نهی از منکر اشاره کرد.

این مجمع تشکلی است فرهنگی، خودجوش، مردم نهاد، غیر دولتی، غیر انتفاعی، فرا جناحی سیاسی، داوطلبانه و مطالبه گر با هدف امر به معروف و نهی از منکر برای رسیدن به اهداف انقلاب اسلامی ایران که همان جامعه ی اسلامی (جامعه الگوی اسلامی) است، و یکی از مهمترین وظایف آن آگاهی دادن به عموم جامعه برای احیاء و همگانی نمودن امر به معروف و نهی از منکر از طریق پیگیری اجرای اصل هشتم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران است.

اساسنامه مجمع به تصویب وزارت کشور رسیده و با شماره ۳۵۵۱۶ ثبت شده است. مجمع در ساختار تشکیلاتی خود برای اجرای اصل هشتم قانون اساسی معاونت های کلیدی: مردم به مردم، مردم به دولت، و دولت به مردم تشکیل داده است که در ادامه به نمونه هایی از فعالیت های این معاونت ها اشاره میکنیم. اما قبل از آن لازم به ذکر است که تفاوت ستاد امر به معروف و نهی از منکر با این مجمع در آن است که ستاد امر به معروف و نهی از منکر یک تشکیلات دولتی است که امورات کلان ستادی از قبیل: سیاستگذاری، برنامه ریزی، و... را برعهده دارد. و این در حالی است که مجمع رهروان امر به معروف و نهی از منکر یک تشکیلات مردم نهاد و اجرایی است.

تمامی هزینه ها و فعالیت های اعضا مجمع از جمله فعالیت

کارشناسان و متخصصان به صورت داوطلبانه و فی سبیل الله می باشد. این مجمع برای آموزش علاقمندان اقدام به تشکیل کارگروه هایی کرده است که از آن جمله میتوان به موارد زیر اشاره کرد:

فرهنگی، اقتصاد و تولید، جمعیت، جوانان، علم و فناوری، قضایی، ایثار و مجاهدت، وحدت و اقتدار امت اسلامی، سلامت خانواده، حجاب و عفاف، قاچاق و مواد مخدر، کشاورزی، آموزش و پرورش و...

از نمونه های بارز امر به معروف مردم به دولت که در این مجمع انجام می شود به ایجاد مطالبه گری در محورهای زیر میتوان اشاره کرد:

۱. کودکان ما در کودکانستان ها به شیوه اسلامی تربیت شده و پرورش پیدا کنند.
۲. دانش آموزان ما در مدارس و دانشجویان در دانشگاه ها بر اساس مبانی اسلامی تربیت شده و الگوی عملی یک جوان مسلمان در جامعه باشند.
۳. کارمندان و کارگزاران نظام مروج اخلاق اسلامی، پاکدامنی و تقوا باشند.
۴. صدا و سیما ی جمهوری اسلامی طبق فرمایش امام راحل دانشگاه باشد.
۵. سبک زندگی مسئولین، الگوی عملی اسلام برای سایر افراد جامعه باشد.
۶. عملکرد مسئولین زمینه ساز تشکیل جامعه اسلامی باشد.
۷. فرهنگ اسلامی در جامعه و سلامت محیط اخلاقی و خانوادگی حاکم گردد.
۸. اقتصاد و تولید رونق داشته باشد و علم و فن آوری گسترش یابد.
۹. تصویب و اجرای قوانین اسلامی و عدالت قضایی و عدالت اقتصادی در جامعه حاکم گردد.
۱۰. از چند قطبی شدن جامعه جلوگیری و روح وحدت و یکپارچگی در تمام ارکان حاکمیت هویدا باشد.
۱۱. نظام اسلامی تقویت و راه های نفوذ و تبعیت از دشمنان اسلام مسدود گردد.
۱۲. ابتذال اخلاقی و ولنگاری فرهنگی در جامعه اسلامی، منفور و جایگاهی نداشته باشد....

بنای این مجمع بر آن است که چنانچه مسئولین کوتاهی نمایند؛ مردم وظیفه دارند از باب خیر خواهی و به دور از روحیه مچ گیری و رسانه ای کردن ضعف ها و تضعیف مسئولین... آنان را امر به معروف و نهی از منکر کنند.

چنانچه علاقمند به همکاری با این مجمع هستید می توانید با شماره های زیر با مسئولین مجمع در ارتباط باشید:

برادران: ۰۹۱۰۷۷۲۳۷۹۸

خواهران: ۰۹۱۰۷۷۲۳۷۹۹

و همچنین کانال تلگرامی تقام الفرائض برای پاسخگویی به سوالات شما فعال می باشد.



معرفی کتاب

نامیرا...

هدی مشهدی

چرا امام حسین (علیه السلام) ناگهان در صحنه کربلا تنها شدند؟ چرا همان ها که با نامه های التماس آمیز خود از ایشان دعوت کرده بودند، به جای دست بیعت، شمشیرهای شقاوت از نیام جهالت برکشیدند؟ راز و رمز دگردیسی مردم کوفه چه بود؟ آیا از ابتدا دروغ گفته بودند یا در عرصه ی پرمخاطره و بحبوسه حوادث، کم آوردند و بر پیمان خویش پانهادند؟ چرا امام حسین (علیه السلام) با این که مردم کوفه را می شناختند، باز هم دعوت آنان را پذیرفتند و با همه خاندان گرامی شان به کوفه رفتند؟ چگونه امکان دارد مردمی که با شور و اشتیاق، امام را به کوفه دعوت می کنند در مدتی اندک، یا در مقابل ایشان شمشیر می زنند و یا شرمنده و ترسان فرار می کنند تا چشم در چشم امام نشوند؟ نامیرا کتابی است که به بسیاری از این پرسش ها پاسخ می دهد و یا حداقل سر نخ برای پیگیری و کندوکاو بیشتر در احوالات آن زمان مردم کوفه.

صادق کرمیار نویسنده رمان تاریخی و تحلیلی نامیرا، بدون شتاب و آرام آرام باز می گوید از روحيات کوفیان، از رفتارشان و از وضعیت اجتماعی و سیاسی حاکم بر ایشان؛ در عین حال آنقدر جذاب و گیرا روایت می کند که خواننده غرق در مطالعه، صفحه ها را ورق می زند و همراه می شود با شخصیت های نامیرا.

در واقع شروع داستان با برملا شدن راز مرگ پدر ربیع است. ربیع، جوانی نورسته که در صدد انتقام خون پدر بر می آید. زیادی جوان است و خام و غرور جوانی در وجود این پسر بیداد میکند. ولی می رسد زمانی که محکم تر از بزرگان قبیله و قبایل دیگر می ایستد و شمشیر می زند.

داستان تنها به ربیع و شرح زندگی اش نمی گذرد. حاکم

کوفه و تردیدهایش، عمرو بن حجاج و عجل بودنش، هانی و وفاداری اش، اب اشعث و عبیدالله و ابن کثیر و... اما یکی از مهم ترین های کوفه، عبدالله. عبدالله و ام وهب به تازگی از جهاد بازگشته و خستگی راه را از تن بدر نبرده اند که با آشفتگی کوفه مواجه می شوند. عبدالله، پیرمردی جهادی که سال هاست به نام خدا و رسولش شمشیر بر مشرکان می زند، در صحنه این روزهای کوفه سردرگم مانده است. به خود اجازه ی خروج بر خلیفه را نمی دهد و با نامه نویسان مخالف است. او هنوز اوج خشم و کینه و بغض یزید و همراهانش را باور نکرده

. اما روزگار از پاکتی دل و نیت او آگاه است و حوادث را به گونه ای رقم می زند که پرده های ابهام و تردید از مقابل دیدگانش کنار رود.

در تمام لحظات شک و یقین عبدالله، همسرش ام وهب است که دلسوزانه همراهی اش می کند و مخلصانه دعاهایش را بدرقه راه همسر می کند.

باید با نامیرا همراه شد تا تشویش مردم کوفه را درک کرد؛ در آن صورت خواهیم فهمید که به این سادگی هم نمی توانیم کوفیان را سرکوفت به بی وفایی بزنیم. حرص و طمع، عجله و شتاب، کوفه بینی، بصیرت، دنیاطلبی، بی وفایی و وفاداری، خیرخواهی اما مردد بودن همه و همه تمام آن چیزی ست که انسان های نامیرا به آنها دچارند. خصایصی خوب و بد که انسان امروز نیز به آنها مزین و یا مبتلا است.

اگر از بنده بپرسید، با قطعیت می گویم که نامیرا قصه ی عبدالله بن عمیر است و تردید هایش. نامیرا قصه ی امروز ماست. قصه ی دعوت و یاری و اثبات خود. نامیرا هنوز تمام نشده؛ هنوز میلیون ها انسان در انتظار موعود هستند و تشنه ی همراهی. اما باید از خود پرسید که چگونه از کنار نامیرا و کوفه و کربلا گذشتیم؟ آیا آن چه که باید از آن ها درک کرده ایم؟ آنقدر که در عرصه ی شک و دودلی ها کم نیاوریم و یاور موعودمان باشیم؟



ما انجمنی ہا...

نفسم بند آمدہ بود، دیگر پلہ های معاونت فرهنگی برایم حکم مرتفع ترین نقطه های جهان را دارند. نفس نفس میزدم به ساعت نگاہی کردم، تنها یک ربع دیگر تا اذان ظهر مانده بود و امروز آن روزهای بیست که فقط وقت نماز خواندن دارم، نہار را باید بگذارم برای ساعت چہار. چشم ہایم را کہ از ساعت برداشتم روی پلہ ہا بہ زمین خوردم. چادرم را جمع کردم. انگار دنبال فرصتی بودم برای نشستن، برای غرزدن، برای بہ ہمہ ی دویدن های این چند روز فکر کردن، انگار دنبال بہانہ بودم برای گریہ کردن... واشکم جاری شد، حالا پلہ های معاونت فرهنگی شدہ بودند کنج خلوت من، از صبح کہ این پلہ ہا را بالا و پایین میرفتم اصلاً فکر نمی کردم روزی این نقطہ از دنیا زمین خوردنم را ببیند.

ساعت بزرگی تیک تاک کنار جلو میرفت، چشمم کہ بہ میانہ ی عقبہ ہا افتاد، تصویر شمارا دیدم. عجیب نگاہم میکردید. خجالت کشیدم. سرم را پایین انداختم، خاک های چادرم را تکاندم، دستم را بہ زانویم زد، "فدای سرسید علی، فدای سر آقا ایم". آقا جان فدای سر شما تمام دویدن ہایم برای کار فرهنگی کردن در این دانشگاه، فدای سر شما تمام زمین خوردن ہایمان، فدای سر شما تمام اضطراب ہا، اصلاً فدای سر شما شنیدن زخم زبان از چپ و راست. چہ جماعتی کہ محکومان میکنند مزدور نظامیم و دفتر انجمن اسلامی را غصب کردہ ایم چہ آن جماعت منصوب بہ گفتمان انقلاب کہ بر چسب التقاطی بودن بر پیشانیمان زدہ اند و اعتقاد دارند لکہ ی ننگ انجمن اسلامی ہیچ گاہ پاک نمی شود.

آقا جان باور کنید فدای سرتان تمام سختی های این راہ، کہ ما آمدہ ایم سنگری رانگہ داریم کہ روزی خط مقدم گفتمان انقلاب در دانشگاه ہا بود، روزی این سنگر تنہا دیدہ بان انقلاب در برابر جریان های لیبرال راست و یا مارکسیست چپ بود. شاید جماعتی دہہ ای این خانہ را از چنگالمان در آوردند اما امروز ما در این سنگر محکم ایستادہ ایم.

بلند شدم...

من تشکیلاتی ام، یک انجمن اسلامی ایی، فرزند ی کہ ایمان دارد ولی فقیہ اش ہر روز برای توفیقش دعا میکند، انجمن اسلامی دانشجویان اگر امروز پابرجاست بہ واسطہ ی مردیست کہ اعتقاد دارد دانشگاه ہا باید مہد انسان سازی باشند.

قصہ ی انجمن ہا...

قدمت انجمن های اسلامی دانشجویان در دانشگاه های کشور بہ نیم قرن پیش وزمان تاسیس اولین انجمن اسلامی دانشجویان در دانشکدہ ی فنی دانشگاه تہران و بہ سال ۱۳۴۱ برمی گردد.

انجمن اسامی دانشجویان دانشگاه الزہراء (س) اگر چہ در طی سال های ۵۶ تا ۵۸ بہ صورت غیر رسمی فعالیت خود را در محیط دانشگاه آغاز نمود اما فعالیت رسمی انجمن اسلامی از سال ۵۸ شروع شد و با تدوین اساسنامہ این واحد تشکل اسلامی دانشجویان دانشگاه الزہراء (س) اعلام موجودیت نمود. و از آن پس انجمن اسامی الزہراء (س) با توجہ بہ گفتمان انقباب برنامہ های زیادی را در این دانشگاه برگزار کرد.

در اواخر دہہ ی ہفتاد با بروز انحرافها در اتحادیہ دفتر تحکیم وحدت انجمن اسامی الزہراء (س) همچنان بر گفتمان امام و رہبری پای بند ماند اما بعد از انشقاق دفتر تحکیم وحدت در طیف علامہ حضوری موثر داشت. اوایل دہہ ی ۸۰ با توجہ بہ فعالیت های سیاسی ریاست دانشگاه زہرا ہنورد و تکیہ بر انجمن اسلامی بہ عنوان قدیمی ترین تشکل دانشگاه الزہراء (س) برخی انحرافات در این مجموعہ بہ وقوع پیوست کہ در اواخر دہہ ی ۸۰ با جدیت اعضای تشکیلاتی و فعال گفتمان امام (ہ) و انقلاب این تشکل، دفتر انجمن اسلامی الزہراء (س) با قاطعیت موضع سیاسی و فرهنگی خود را مشخص نمود و بعد از مذاکرات متفاوت بہ طیف شیراز پیوست. قابل توجہ است انجمن اسلامی الزہراء (س) از معدود دفاتر انجمن اسلامی سراسر کشور است کہ از سال ۵۸ بہ صورت مداوم بدون تعلیق بہ فعالیت خود ادامہ دادہ است. در ہمین سال ہا انجمن الزہراء (س) با ہمراہی برخی دیگر از دانشگاه های منسوب بہ طیف شیراز از جملہ دانشگاه امیرکبیر و دانشگاه قزوین و.. سنگ بنای احیای دفتر تحکیم وحدت را بنیان نهاد و بعد از آن تا کنون بہ عنوان یکی از دانشگاه های موثر در اتحادیہ در حال فعالیت می باشد.



شورای تشکيلات عبارتست از نماینده ی ولی فقیه در دانشگاه، دبیر انجمن اسلامی، دبیر تشکيلات انجمن اسلامی، نماینده ی دفتر تحکیم وحدت، دبیران دو سال گذشته ی انجمن اسلامی.

شورای مرکزی بالاترین مرجع تصمیم گیری انجمن بوده و متشکل از ۷ نفر عضو اصلی و دو نفر عضو علی البدل است. از وظایف شورای مرکزی می توان به پاسداری از خط مشی و هویت عقیدتی، سیاسی و اخلاقی انجمن و حفظ مواضع استقلال آن اشاره کرد. مرجع و مسئول هماهنگی واحدهای متشکله ی انجمن اسلامی و رسیدگی به امور انجمن اسلامی و تصویب برنامه های اجرایی آن از جمله وظایف شورای مرکزی است.

واحدهای انجمن اسلامی:

۱. دبیرانجمن
 ۲. واحد تشکيلات
 ۳. واحد فرهنگي
 ۴. واحد عقیدتی و سیاسی
 ۵. واحد علمی و صنفی
 ۶. واحد فوق برنامه
 ۷. واحد پشتیبانی
- و اما رده بندی اعضای انجمن اسلامی به شرح زیر است:

۱. عضو عادی
 ۲. عضو تشکيلاتی
 ۳. عضو منتخب
 ۴. عضو مشورتی
- که هر یک از این اعضا دارای حقوق و تکالیف مشخصی در اساسنامه هستند. به امید دیدار شما در انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه الزهرا(س).

از جمله افتخارات انجمن اسلامی دانشگاه الزهرا(س) در دهه اخیر می توان به موارد زیر اشاره کرد:

- ۱- اخذ عنوان انجمن اسلامی نمونه ی اتحادیه در سال تحصیلی ۹۳-۹۲
 - ۲- مقام سوم جشنواره ی سراسری تشکل های دانشجویی افسر جوان
 - ۳- اخذ رتبه ی دوم بخش طراحی و کاریکاتور جشنواره ی نشریات دانشجویی دانشگاه های منطقه ی یک کشور در سال تحصیلی ۹۳-۹۴
 - ۴- اخذ رتبه ی دوم طرح روی جلد جشنواره ی نشریات دانشجویی دانشگاه های منطقه ی یک کشور در سال تحصیلی ۹۳-۹۴
 - ۵- انجمن اسلامی مورد تقدیر معاونت فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم تحقیقات و فناوری در سال ۹۱
 - ۶- اخذ رتبه ی برتر در بخش نشریات برتر سیاسی در پنجمین جشنواره ی نشریات دانشجویی
 - ۷- اخذ رتبه ی اول در بخش مصاحبه در سومین جشنواره ی نشریات دانشجویی
- انجمن اسلامی الزهرا(س) دارای هرم تشکيلاتی است که در آن ارکان تشکيلات عبارتند از:
- مجمع عمومی، شورای تشکيلات، شورای مرکزی و واحدها.**
- مجمع عمومی** متشکل از اعضای تشکيلاتی و یا اعضای منتخب است که وظیفه ی آن اعلام مواضع، جهت گیری و خط مشی کلی انجمن، بحث و بررسی و تصویب تغییرات کلی یا جزئی اساسنامه و پاسداری از خط مشی و اهداف مندرج در اساسنامه و اساسنامه انجمن اسلامی است و برنامه ریزی در جهت تحقق آن.

جهت اطلاع از فعالیت های انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه الزهرا(س) می توانید از یکی از راه های ارتباطی زیر استفاده نمایید:

E.mail: alzahra.islamic.s.association@gmail.com

Telegram: @anjomanalzahra

Instagram: anjoman_eslami_alzahra



دورنې از دوره های آموزشی انجمن اسلامی دانشجویان

واحد فرهنگی:

* دوره های خوشنویسی خط تحریری ریز، خط معلی و خط نستعلیق، طول مدت دوره ۱۰ هفته می باشد. ساعات کلاس ها متناسب با نوع خط انتخابی دانشجویان متفاوت می باشد. هزینه ی دوره ها برای یک ترم ۸۰ هزار تومان و آخرین مهلت ثبت نام پایان مهرماه ۹۵ می باشد.

* دوره ی مکالمه ی زبان عربی، روزهای یکشنبه ساعت ۱۵:۳۰ الی ۱۸:۳۰، به مدت ۱۰ هفته و هزینه ی دوره ها برای یک ترم ۸۰ هزار تومان و آخرین مهلت ثبت نام پایان مهرماه ۹۵ می باشد. شماره تماس: ۰۹۱۲۰۲۳۷۱۷۸.

واحد تشکیلات و عقیدتی و سیاسی:

* دوره های ویژه ی تشکیلاتی در روزهای پنجشنبه ساعت ۱۳:۳۰ الی ۱۷:۳۰، این دوره ها شامل حلقه های رصد سیاسی و اجتماعی، دوره ی خبرنگاری و حلقه های مطالعاتی می باشد. استاد دوره ی خبرنگاری استاد اصفهانی از اصحاب رسانه و خبر و مدرسین حلقه های رصد متناسب با موضوعات روز انتخاب خواهند شد.

شماره تماس: ۰۹۳۰۸۱۰۵۳۶۹.

واحد فوق برنامه:

* تشکیل گروه تئاتر و برگزاری کلاس تئاتر، این دوره روزهای چهارشنبه ساعت ۱۴:۳۰ الی ۱۷:۳۰ برگزار می گردد و طول دوره ۸ هفته می باشد. هزینه ی دوره برای دانشجویان دانشگاه الزهرا (س) ۴۵ هزار تومان است.

* دوره ی رسانه و سینما، روزهای سه شنبه ساعت ۱۵ الی ۱۷. طول دوره ۸ هفته و هزینه ی آن برای دانشجویان دانشگاه الزهرا (س) ۲۵ هزار تومان می باشد.

* دوره ی مقدماتی مهدویت، همراه با اردوی سه روزه ی مسجد مقدس جمکران.

شماره تماس: ۰۹۰۳۷۴۵۸۵۷۴.

واحد علمی و صنفی:

* کلاس های کدینگ زبان انگلیسی ویژه ی کنکور ارشد، دکتری و تافل، کلاس ها روزهای دوشنبه ساعت ۱۶:۳۰ الی ۲۰:۳۰ برگزار می شود که از آموزش لغات کتاب ۵۰۴ و آژیه ی ضروری برای تافل شروع شده و در دوره های بعد کتبی مانند ۱۱۰۰ و آژیه، Highschool و... تدریس می شود. هزینه ی دوره ها متناسب با هر سطح و تعداد جلسات متفاوت خواهد بود که برای دانشجویان دانشگاه الزهرا (س) تخفیف ویژه ای در نظر گرفته شده است.

شماره تماس: ۰۹۱۹۶۷۸۷۹۶۲.



چه خبرانجمن؟!

گزارش تصویری فعالیت های مهرماه انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه الزهراء(س):

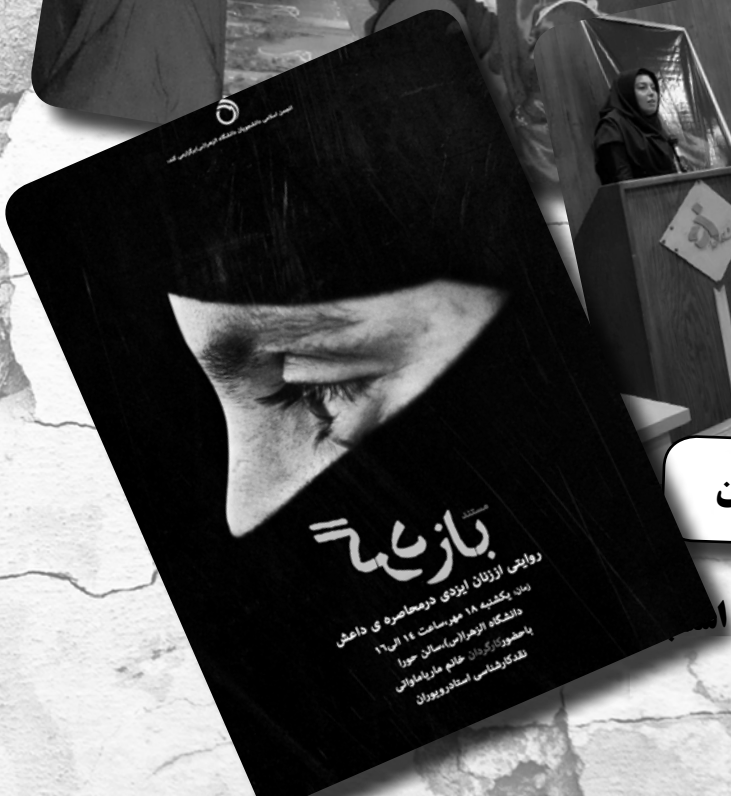
استقبال از دانشجویان جدیدالورود



اردوی تنهایی ممنوع! کف الشهدا.



اکران مستند بازگرد، با حضور کارگردان





55 posts

194 followers

64 following

✓ FOLLOWING

انجمن اسلامی دانشگاه الزهرا(س)

@anjomanalzahra

🌸🌸 کمپین کدامین زن؟! 🌸🌸

در تلگرام به ما پیوندید، صدای زنان مسلمان ایرانی

SEE TRANSLATION

Followed by smoujani, zzolfaghari, alzahralumni + 8 more

